

۱۳۹۵

مسائل و نظریات فلسفه

کازیمیرتز آردو و کبیچ

ترجمه:

منوچهر بزرگمهر

انتشارات شفیعی

۱۳۹۵

سروشنامه	ازدوکویوچ، کازیمیرتز، kazimierz Ajdukiewicz، ۱۹۶۵-۱۸۹۰.
عنوان و نام پدیدآور	مسائل و نظریات فلسفه / ازدوکویوچ، کازیمیرتز؛ ترجمه از منوچهر بزرگمهر.
مشخصات نشر	تهران: شقیعی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۲۵۰ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۷۸۴۳-۳۵-۵
عنوان اصلی	Problems & Theories of Philosophy :
وضعیت فهرست نویسی	فیهپا
تداومت	کتاب حاضر اولین بار توسط انتشارات علمی دانشگاه صنعتی در سال ۱۳۵۶ چاپ شده است.
عنوان دیگر	مسائل و نظریات فلسفه.
موضوع	ازدوکویوچ، کازیمیرتز.
موضوع	فلسفه —
موضوع	نقد و تفسیر —
رده بندی کده	الف ۱۳۹۴ ش ۳ الف/۲۳۳۲۳ BP۲۳۳۲/۲
رده بندی یویی	۲۹۷/۴۸۲
شماره کتابخانه	۲۱۴۲۷۵۶

مسائل و نظریات فلسفه

نوشته: کازیمیرتز ازدوکویوچ

ترجمه: منوچهر بزرگمهر

ناشر: انتشارات علمی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپخانه: نقشینه

صحافی: پیمان

قیمت: ۲۰۰,۰۰۰ ریال

ISBN: 978-964-7843-35-5

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۴۳-۳۵-۵

© حق چاپ محفوظ است ©

تهران: میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید، ساختمان اودیهشت پلاک ۵۶، طبقه همکف

تلفن: ۶۶۴۹۴۶۵۴

فهرست موضوعی

- ۹ مقدمه مترجمان انگلیسی
۲۳ دیباچه مؤلف
- مقدمه
- ۲۹ بحث در باب بعد الطبیعه و دیگر نظامهای فلسفی
- بخش اول - بحث معرفت
- ۳۳ ۱. مسائل متعارف در باب معرفت
- ۳۶ ۲. مسأله حقیقت
- ۳۶ تعریف متعارف حقیقت و ایرادهائی که بر آن وارد شده است
- ۳۹ حقیقت به عنوان مطابقت با ملاک
- ۴۰ تعریفهای غیر متعارف از حقیقت
- ۴۷ صورت صحیح مفهوم متعارف حقیقت
- ۴۸ شکاکیت و رد آن
- ۵۱ تعریفهای غیر متعارف حقیقت مؤدی به اصالت معنی است
- ۵۳ ۳. مسائل مربوط به معنا، معرفت و شناسائی
- ۵۳ جنبه روان شناسی و جنبه بحث معرفت در این مسأله
- ۵۷ مذهب اصالت مفاهیم اولی یا پیشینی و مذهب اصالت تجربه

- ۵۸ مذهب افراطی اصالت مفاهیم اولی یا پیشینی
- ۶۰ مذهب افراطی اصالت تجربه
- ۶۰ مذهب معتدل اصالت تجربه
- ۶۲ مذهب معتدل اصالت مفاهیم اولی یا پیشینی
- اختلاف بین مذهب اصالت تجربه و مذهب اصالت مفاهیم
- ۶۴ رنی یا پیشینی درباره ماهیت قضایای ریاضی
- ۶۵ ریاضیات محض و ریاضیات عملی
- ۷۰ نظری درباره مذهب معتدل اصالت تجربه
- ۷۱ نصری درباره مذهب افراطی اصالت تجربه
- ۷۱ مذهب اصالت وضع و قرارداد
- نظری درباره مذهب معتدل اصالت مفاهیم اولی یا
- ۷۴ پیشینی - تعلیم کانت
- ماهیت شناسائی پیشینی یا نام بر تجربه، بنابه رأی
- پدیدارشناسان
- ۷۹
- ۸۳ اصالت عقل و اصالت نامعقول
- ۸۹ ۴. مسأله حدود شناسائی
- ۸۹ معنی دوگانه تعالی
- ۹۲ مذهب اصالت معنی حلولی از لحاظ بحث شناسائی
- ۹۴ ادراک و متعلق ادراک
- ۹۷ مذهب اصالت معنی متعالی از لحاظ بحث شناسائی
- ۱۰۱ کانت به عنوان نماینده مذهب اصالت معنی متعالی
- ۱۰۳ مذهب اصالت واقع
- ۱۰۴ مذهب اصالت تحصیل

- ۱۰۹ اصالت تحصیل جدید یا مذهب نو تحصیلی
- ۱۱۴ ۵. رابطه بین بحث شناسائی و سایر علوم فلسفی
بخش دوم - مابعدالطبیعه
- ۱۱۹ ۶. منشأ اصطلاح مابعدالطبیعه و تقسیم مسائل آن
- ۱۱۹ منشأ لفظ مابعدالطبیعه
- ۱۲۰ تقسیم مسائل مابعدالطبیعه
- ۱۲۲ ۷. بحث وجود یا هستی شناسی
- ۱۲۲ اغراض بحث وجود یا هستی شناسی
- مشارکتی از ناهیمی که در هستی شناسی مورد
- ۱۲۴ تحلیل واقع می گردد
- ۱۲۷ اخبار و قضایا بحث وجود
- ۱۲۹ ۸. استنتاجهای مابعدطبیعی ناشی از تذکر درباره معرفت
- ۱۲۹ مسأله اعیان مثالی: نزاع در ره کلیات
- مسأله اصالت معنی از لحاظ مابعدالطبیعی:
- ۱۳۳ (الف) اصالت معنی خودبنیادی
- ۱۴۲ (ب) مذهب اصالت معنی عینی
- ۱۵۲ (ج) مذهب اصالت واقع در مابعدالطبیعه
- ۱۵۲ ۹. مسائل مابعدالطبیعه ناشی از تحقیق در طبیعت
- ۱۵۶ مسأله جوهر و ساخت عالم
- ۱۵۷ مسأله نفس و بدن
- ۱۹۱ اصل موجبیت و عدم موجبیت

مسائل و نظریات فلسفه

- ۲۵۴ مکانیسم و اصالت غایت
- ۲۲۲ ۱۰. مسائل مابعدالطبیعه ناشی از دین
- ۲۲۲ مفهوم دینی الوهیت
- ۲۲۳ جاودانی نفس
- ۲۲۴ مابعدالطبیعه دینی
- ۲۲۴ مفهوم فلسفی الوهیت
- ۲۲۶ دلایل اثبات وجود خدا
- ۲۲۸ خدا و جهان
- ۲۲۸ اله یا بی‌خدائی
- ۲۳۰ مسأله خلو نفس نزد فلاسفه
- ۲۳۱ مابعدالطبیعه دین و علم اخلاق
- ۲۳۳ ۱۱. مابعدالطبیعه بدنه در اصول جهان بینی نهائی
- ۲۴۴ خاتمه

مقدمه مترجمان انگلیسی

فلسفه و منطق در لهستان جدید

کشور لهستان در بیست سال فاصله بین دو جنگ بزرگ که انقلاب واقعی داشت از لحاظ منطق و فلسفه به عالم علم خدمات جانب توجهی انجام داده است. منطق به صورت جدید ریاضی آن، اگر به زبانی نوشته شود که مردم به آن کمتر آشنائی دارند، از این حیث مردمانی نمی بینند، زیرا مقدار نثری که در آن بکار می رود کم است. به عکس فلسفه که لامحاله باید به نثر عادی نوشته شود.

علاوه بر این کتابهای مهم منطق اغلب مختصر است و مانع مهمی در راه ترجمه نیست. نتیجه منطقیان لهستان جدید مخصوصاً سه استاد بزرگ این فن در دو دهه اخیر یعنی لوکاسیویچ^۱ لزنایوسکی^۲ و تارسکی^۳ در نزد فلاسفه و منطقیان سایر اهل جهان شهرت بسزا دارند^۴.

اما فلسفه ای که با این حوزه نیرومند و بارور منطقی مقارنت دارد، شهرتش کمتر است. منطق جدید در لهستان ابتدا از فلسفه ناشی شد به این معنی که لوکاسیویچ و لزنایوسکی که دامپیان آن بودند از راه فلسفه وارد منطق شدند و هر دو از شاگردان

1. Lukasiwicz

2. Lesniewski

3. Tarski

4. Mc Call Stoms, (Ed.) Polish Logic, Oxford U.P. 1967.

تواردوسکی^۵ فیلسوف لهستانی بودند که تعالیم او مبدأ این نهضت فکری محسوب می‌شود. به علاوه کار دو فیلسوف مهم لهستانی قرن بیستم، یعنی کوتاربینسکی^۶ و آزدوکیویچ^۷ (مؤلف این کتاب) با منطق صوری ارتباط نزدیک دارد، به همان نحو که منطق و فلسفه در آثار فرگه^۸ و راسل^۹ و کارنپ^{۱۰} و کواپن^{۱۱} به هم مربوط است.

تواردوسکی خود با هوسرل^{۱۲} و ماینونگ^{۱۳} از شاگردان برانز برنتانو^{۱۴}، فیلسوف اطریشی بود. نحوه تقرب او به فلسفه به‌طور کلی بر مبنای پدیدارشناسی^{۱۵} بود. یعنی تحقیق دقیق در ماهیت جریانهای ذهنی و فکری که در حیطه مراقبه نفسانی و درون‌نگری^{۱۶} درآید. بود. برنتانو غرض از فلسفه را جستجوی علل و معلولات و لوازم و قاندهای علای جسمانی و وظائف الاعضائی چنین جریاناتی محسوب می‌نمود، بلکه نحوه ترکیب و ساختمان ذاتی این جریانها می‌دانست. تواردوسکی هم مانند هوسرل و ماینونگ به ماهیت تفکر توجه داشت و «لهور و بروز آن را در اعمال و مضامین و متعلقات فکر با دقت تحلیل می‌نمود.

ولی با این حال نه مطالعات محدود تواردوسکی درباره امور ذهنی، و نه روش پدیدارشناسی او بود که علت نفوذ خلاقه او بر منطق و فلسفه در لهستان گردید، اگر چه این جنبه‌ای کار او مستقیماً به وسیله فیلسوف پدیدارشناس برجسته‌ای به نام روسان

5. Twardowski

6. Kotarbinski

7. Ajdukiewicz

8. Frege

9. Russell

10. Carnap

11. Quine

12. Husserl

13. Meinong

14. Franz Brentano

15. Phenomenological

16. Introspectible

اینگاردن^{۱۷}، ادامه یافت، نفوذ و تأثیر او اولاً به واسطه تصمیم وطن پرستانه شخصی او بود که به جای مرکز امپراطوری هابسبورگ، شهر لووف^{۱۸} را در اقصای کشور لهستان برای انجام شغل خود، انتخاب کرد (لووف در جنوب شرقی لهستان اکنون جزو اتحاد جماهیر شوروی است) ثانیاً به واسطه اینکه او سرمشق برجسته و کم نظیری بود (در این محل لهستانی خاص) از وضوح و قوت مطلق فکری برای دیگران. سبک فکر بی اندازه روشن و دقیق او، که در آن کلیه اصطلاحات اساسی به طور صریح مورد تعریف و توضیح قرار می گیرد و کلیه استنتاجها طوری بیان می شود که ساختمان و نحوه ترکیب منطقی آنها کاملاً بارز می گردد، به قدری آسان منتقل شد، و تا کنون از خصائص مستمر منطقی و فلسفه بهر دست شمار رفته است. شاگردان او بزودی تحت تأثیر کتاب «اصول ریاضیات» تألیف راسل و وایتهد^{۱۹} قرار گرفتند. قسمتهای عمده کار راسل، قبل از اینکه خود متوجه شود که پیش از وی همان مطالب در نوشته های مهجور سائده فرگه آلمانی به نحوی دقیقتر بیان گردیده است، انجام شده بود. منطقیان لهستانی به خصوص لژیوسکی از کار فرگه و راسل آگاهی داشتند، و این امر در کیفیت کار آنها اثر مفیدی گذاشته بود. به این طریق بود که فیلسوفان برجسته لهستان در باره روش صحیح فلسفه به نتایجی رسیدند که شبیه وضع فلاسفه اروپایی غربی و ایالات متحد آمریکا است. این فیلسوفان غرض

17. Roman Ingarden

18. Lwow

19. Whitehead

عمده از فلسفه را بررسی فکر به شکل تحلیل آن، و به صورت لفظی صریح آن می‌دانند و این تحلیل به وسیله اصول تعریف و استنتاج صریح در منطق صوری، انجام می‌گردد. اینها مثل ویتگنشتاین در زبان تحریر کتاب «رساله منطقی و فلسفی» فلسفه را «روشنی بخش فکر» می‌دانند. این روشی از تحقیق فلسفی است که در خارج از لهستان، شاید به استثنای نوشته‌های کارنپ، به چنین صورت کاملی به کمال مطلوب خود، که طرز بیان جداً غیر شخصی و خاصی بودن از شائبه امور ذهنی و ادبی و عاطفی باشد، نائل نشده است.

فیلسوفان عمده لهستان مانند تحصیلی مذهبان حلقه وین^{۲۰} این نکته را کش کردند که منطق صوری جدید افزار و وسیله تحلیلی است که می‌توان با آن فلسفه را در حقیقت به صورت علم در آورد. البته کوتاه‌بینی از اصرار تحصیلی مذهبان در مخالفت با مابعدالطبیعه تبری چیست، مثل کوانین در ایام اخیر به این نظر متمایل بود که هستی‌شناسی، یعنی تعیین اقسام وجود هائی که واقعاً هستی دارند، جزء اصلی و حاضر تحقیقات فلسفی است. آزدو کیویچ به کارنپ و تحصیلی مذهبان نزدیک بود، هر چند چنانکه از مطالب این کتاب پیداست از همه آنها جز یک^{۲۱} با این نظر که فلسفه جدید متأثر از منطق، با آثار فلسفی گذشته اتصال و پیوستگی دارد، کمتر مخالف است.

20. Logical Positivist of the Vienna Circle

۲۱. Ontology یا بحث وجود

۲۲. Moritz Schlick از مؤسسان حلقه فلسفی وین در اوایل قرن بیستم.

شرح حال آزدوکیویچ

کازیمیرتز آزدوکیویچ^{۲۳} در دسامبر ۱۸۹۰ در تارنوپول^{۲۴} از شهرهای گالیسی^{۲۵} دنیا آمد. پدر و مادر او اول به کراکوی مهاجرت کردند و او در آنجا به دبیرستان رفت، سپس به لووف نقل مکان کردند و آزدوکیویچ در دانشگاه آنجا به تحصیل فلسفه نزد تواردوسکی پرداخت. در ضمن در ریاضیات و فیزیک هم کار می کرد. آشنائی او با منطق پس از حضور در درس لوکاسیویچ آغاز گردید. در ۱۹۱۲ درجه دکتری خود را با رساله‌ای درباره نظریه انتانت راجع به غیرتجربی بودن ماهیت مکان بدست آورد و از لووف برای ادامه تحصیلات به گوتینگن در آلمان رفت. در اینجا هیلبرت^{۲۶}، ریاضی دان بزرگ و فیلسوف قائل به اصالت صورت در ریاضیات و در سر درس می دادند.

در جنگ ۱۸-۱۹۰۴ در ارتش در جبهه اطریش و ایتالیا خدمت کرد و به واسطه اثر شجاعت در رهانیدن بعضی از همقطاران خود از قلعه‌ای مخروبه، به دریافت نشان نائل گردید. پس از پایان جنگ با درجه سروانی خدمتش خاتمه یافت. کمی بعد استاد فلسفه در دانشگاه ورشو شد، و در آنجا معلم خود تواردوسکی را به زنی گرفت. در ۱۹۲۸ به لووف برگشت و در مدت جنگ دوم در همانجا ماند و مدتی به تدریس فیزیک در پسرهای فنی پرداخت. بعد از بیرون راندن آلمانیها از لهستان در ۱۹۴۵ و تجدید دولت لهستان تحت حمایت روسها، به استادی منطق و

23. Kazimierz Ajdukiewicz

25. Gallcia

24. Tarnopol

26. Hilbert.

فلسفه علوم در دانشگاه پوزنان^{۲۷}، منصوب گردید و تا سال ۱۹۵۲ در آنجا بود. در چهار سال بعد، سمت ریاست دانشگاه را داشت.

از ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۳ که سال فوتش بود در ورشو بسمی برد. تا سال ۱۹۶۰ که در سن هفتاد سالگی بازنشسته شد، رئیس مؤسسه منطق در دانشگاه ورشو و فرهنگستان علوم لهستان، بود. آخر عمرش مدیریت مجله استودیالوژیکا^{۲۸} را داشت که در آن آثار منطقی و فلسفی متفکران لهستانی به زبانهای متداولتر یعنی انگلیسی، فرانسه و آلمانی و روسی، منتشر می شد.

میان سالهای ۱۹۴۸ و ۱۹۵۴ حکومت کمونیستی در لهستان، پس از پایان دادن به مخالفت‌های مؤثر سیاسی، توجه خود را به جنبه‌های فرهنگی معطوف کرد که گرچه برای رژیم خطر آنی نداشت ولی از نظر اینکه به آثار لیبرالیزم بورژوا شمرده می شد، قابل قبول نبود. فلسفه متمایل به منطق بین دو جنگ گذشته، مورد حمله شدید قرار گرفت. طرفداران فلسفه بورژوازی که مخالف دیالکتیک بودند، مورد انتقاد سخت واقع شدند، ولی هر چند در بسیاری موارد از تدریس یا از انتشار کتاب‌های غیر از ترجمه آثار فلسفی کلاسیک ممنوع شدند، بطور کلی از سهان دانشگاهی خود معزول نگردیدند و تحت فشار دستگاه اداری قرار نگرفتند.

آژدو کیویچ از طرف آدام شاف^{۲۹}، عضو کمیته مرکزی حزب حاکم که مسئول تسلط دادن عقیده رسمی در عرصه فکری و فرهنگی بود مخصوصاً تحت فشار شدید قرار گرفت. در ۱۹۵۲ شاف

27. Poznan

28. Studia Logica

29. Adam Schaff

رساله مفصلی منتشر ساخت که در آن فلسفه آژدوکیویچ به عنوان «ایده‌آلیزم» محکوم شد زیرا که او برای زبان و کلام قائل به وجودی مستقل و معنوی شده بود و آن را موضوع بدوی و اولیه تحقیقات فلسفی دانسته بود. سال بعد آژدوکیویچ اجازه یافت که پاسخ این رساله را به همان تفصیل بدهد، و این همان سال فوت استالین بود. از ۱۹۵۵ به بعد توانست عقاید فلسفی خود را بدون حجاج به دفاع از آنها، منتشر کند.

آثار مهم آژدوکیویچ

آژدوکیویچ هشت جلد کتاب و تعداد زیادی مقاله منتشر کرده است که پناه مقاله آن در دو مجلد به نام «زبان و معرفت» به چاپ رسیده است. بعضی از آنها قریباً به زبان انگلیسی ترجمه و منتشر خواهد شد. کنه‌های او به این قرار است: «درباره شناخت روش علوم قیاسی»، ۱۹۲۱. «تأیلات عمده فلسفی» (منتخباتی از آثار فلاسفه) ۱۹۲۳. «اصول عمده روش علمی و منطق صوری» ۱۹۲۸. «مبانی منطقی آسوزش» ۱۹۳۴. «مقدمه بر فلسفه» (برای دانشگاهها) ۱۹۳۸. کتاب حاضر ۱۹۴۹. «اصول اساسی منطق» ۱۹۵۳. کتاب «منطق اصالت عمل» که در ۱۹۵۳ پس از مرگ او منتشر گردید.

فلسفه آژدوکیویچ

آثار ابتکاری مهم آژدوکیویچ در دهه بین ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۰ منتشر شد و درباره منطق و علم معنی بود. آنچه از تحقیقات خود در مابعد منطق راجع به ماهیت نظام‌های استنتاجی دریافته بود، بر مسائل این موضوع اطلاق نمود. از ابتدا در ذهن خود تمایز بین

معنی یک لفظ ودالات آن را بر مصداق، روشن ساخته بود. این مطلب را فرگه بیان کرده بود، اما در کشورهای انگلیسی زبان به واسطه نفوذ نظریه راسل درباره اساسی، تا حدی در پرده ابهام مانده بود. نظریه راسل این است که اسم خاص منطقی اگر مابازائی نداشته باشد بی معنی است.

در زمانی که آژدوکیویچ به نوشتن اشتغال داشت فرض رایج نزد فیلسوفان تحلیلی اروپای غربی این بود که معنی، ذاتاً امری است که مربوط به نحو و اجمالاً اینکه کلیه مسائل راجع به معنی را می توان صرفاً با در نظر گرفتن خصوصیات عبارات یا روابط میان عبارات حل کرد بدون اینکه توجه به روابط عبارات با واقعیت خارج از الفاظ ضروری داشته باشد. مفصلترین روایت این نظریه در کتاب «نحو منطقی» آلِف کارنپ^{۳۰} بیان شده است. یکی از منابع این عقیده بی شک نفوذ ویتگنشتاین است که به موجب آن اخبار درباره نسبت بین لفظ و عالم خارج بی معنی است، زیرا غرض ازان جز این نیست که آنچه را فقط می توان «ارائه» داد، به لفظ آورند. اما این نظر مانع ازان نشد که خود را در کتاب «رساله منطقی و فلسفی» اخبار بسیاری از این قبیل که به عیده اوقابل قبول نیست، اظهار نماید. منبع دیگر ممکن است همین بود که مفهوم حقیقت باشد که از اختلاف آراء درباره موارد اطلاق آن ناشی شده است. فیلسوفان حلقه وین به همین جهت یکی از صورتهای نظریه ای را درباره حقیقت اختیار کردند که بر حسب آن حقیقت یا عدم حقیقت فقط در مورد نسبت و رابطه میان جملات است که می تواند

اطلاق شود و نه در مورد نسبت میان الفاظ و واقعیتهای خارج از الفاظ، و خلاصه آنکه حقیقت عبارت است از تلائم و سازگاری جملات با یکدیگر و ضبط و ربط آنها.

آژدوکیویچ در نظریه خود در باب معنی با پیروی از تمایزی که فرگه بین معنی ودالات بر مصداق قائل شده بود، معنی را به عنوان شیء و عین نمی پذیرد، بلکه آن را خصوصیت عبارات می داند و این خصوصیت ناشی از قواعدی است که نحوه انتقاد آنها را معین می سازد. اوسه قسم قاعده تشخیص می دهد. اول اصول متعارفه^۱ که برر می دارد که بعضی جملات را باید همیشه قبول کرد، مثل اینکه «الف» است. دوم قواعد قیاسی یا استنتاجی که مقرر می دارد که اگر جمله ای مورد قبول واقع شود، جمله دیگر نیز باید قبول گردد. مثلاً اگر جمله «اگر ف صادق باشد ق صادق است» قبول گردد، حتماً «اگر ن (ق) صادق باشد ن (ف) صادق» است هم باید قبول شود. سوم قواعد تجربی که مقرر می دارد بعضی جملات به واسطه پای ای اطلاعات معین تجربی، باید قبول شود، مثل اینکه «اگر درد باشد ن (ف) است». البته جنبه غیر نحوی معنی در قاعده نوع تجربی مندرج است. در نظامهای استنتاجی صوری فقط دو نوع اول را می توان بیان داشت. اصول این نظریه در سال ۱۹۳۴ منتشر گردید یعنی یک سال بعد از اینکه تارسکی رساله معروف خود را به زبان لهستانی در بار مفهوم حقیقت منتشر کرد و در آن عباراتی را که دال بر نسبت بین الفاظ و عالم خارج باشد مجاز شمرد. و بعدها کارناپ هم این نظریه را

پذیرفت.

دو عرصه تحقیقی مهم دیگر را باید به اختصار گوشزد کرد. آژدوکیویچ با اتکا به پاره‌ای از آراء لژیوسکی نظریه‌ای درباره مقولات علم دلالت اختیار کرد، که به موجب آن می‌توان قواعدی وضع کرد برای معلوم ساختن اینکه با قبول چه ترکیهائی ممکن است عبارات به صورت جمله‌های تمام در آیند. در مورد یک زبان مصنوعی صوری، که دارای لغات محدود و معین باشد، این امر آن است، اما در مورد زبانهای طبیعی بسیار دشوار خواهد بود. نزد لیسنس انگلیسی زبان، مسأله زبانهای طبیعی راه حل صریح و معینی غیر از آنچه رایل^{۳۲} به نحو غیر منظم و نامضبوط درباره مقولات بیان کرده است، ندارد. ولی در این اواخر نوع طریقه‌ای که آژدوکیویچ آنرا شروع کرد در تحلیلهای لغوی چومسکی و همکاران او بسط و تفصیل بیشتری یافته است.

سپس آژدوکیویچ از نظریه خود راجع به اینکه معنی عبارات به وسیله قواعدی تعریف می‌شود که نه تنها آزادی و اختیار وسیعی در انتخاب می‌دهد، این نتیجه را گرفت که زبانهای می‌توانند وجود داشته باشند که نه فقط از نظر اختلاف الفاظ و لغات و نداشتن طرح واحدی از قواعد بایکدیگر فرق دارند بلکه اساساً غیرقابل تبدیل و ترجمه به یکدیگر نیز هستند. در اینجا به استقبال نتایجی راجع به عدم تعین تبدیل و ترجمه رفته است که در آثار کواوین درباره فلسفه زبان، اساسی است، هرچند که او از جهت کاملاً متفاوتی به این نتایج رسیده است. سپس به بحث ادامه

۳۲. Gilbert Ryle فیلسوف تحلیلی معاصر انگلیسی. م.

می‌دهد و چنین نتیجه می‌گیرد که کسانی که در بارهٔ شناسائی اظهار نظر می‌کنند به واسطهٔ اینکه خود با مفاهیم سر و کار دارند و استدلال‌هایشان در زبان مفاهیم بیان می‌گردد نمی‌توانند منتقد و داور بی‌طرف میان دستگاه‌های مختلف مفاهیم باشند.

پس از اینکه آژدوکیویچ در سال ۱۹۴۵ دوباره به فلسفه برگشت این نظر خود را راجع به وضعی و اعتباری و نسبی بودن حقایق رها کرد، ولی امکان نظریهٔ دیگری را ملحوظ داشت که در رشته‌های کوان با آن آشنا شده‌ایم، و به موجب آن جنبه‌های منطقی زبان را به قول آژدوکیویچ جملاتی که به واسطهٔ اصول متعارفه و استنتاجی مقبول است، باید به اندازهٔ جملات صریح و ساده‌ای که در بارهٔ امور تجربی است، در معرض داورى تجربه قرار گیرد. آژدوکیویچ نیز مانند کوان معتقد شد که آزمایش تجربی در مورد اخبار واحد نیست بلکه در مورد مجموعه‌هائی از اخبار است که از جملهٔ آنها باید فضائیای منطق را برشمرد. در میان موضوعات دیگری که در این مرحله از عمر خود مورد مطالعه قرار داده بود می‌توان مخصوصاً تعریف و اخبار شرطی و قابلیت تحلیل و مسألهٔ آزادی علوم را ذکر کرد، هرچند که این یکی دور از انتزاع‌های فلسفی است.

برای شرح بیشتر در بارهٔ تحقیقات ابتکاری آژدوکیویچ در فلسفه، باید به فصل پنجم کتاب «فلسفهٔ تحلیلی لهستان» نالیف ه. اسکولیموسکی^{۳۳} و به مقالهٔ «چردن»^{۳۴} راجع به او در

33. Skolimowski, *Polish Analytical Philosophy*.

34. Edward Paul, (Ed) *The Encyclopedia of Philosophy* (Z.A. Jordan)

دائرة المعارف فلسفی رجوع کرد.

درباره این کتاب

این کتاب که اول در ۱۹۴۹ یعنی در زمانی منتشر شد که مقامات رسمی شروع به سرکوبی «فلسفه متمایل به منطقی» لهستان کرده بودند، ظاهراً مورد علاقه خاص آژدوکیویچ بوده است. گویا عس کرده بود که در این کتاب توانسته است معلومات زیادی راجع به تأثیر تاریخی دلائل فلسفی بدست دهد، بی آنکه از موازین بازره و فرج و دقتی که خاص مکتب فلسفی است که او به آن وابسته است، منحرف گردد.

این کتاب به عنوان کتاب مقدماتی فلسفه، با کتاب مشهورتری با همان طاب و همان اندازه یعنی «مسائل فلسفه» برتراند راسل^{۳۵} قابل مایسا است. کتاب آژدوکیویچ متصفانه تر و غیر شخصی تر از کتاب راسل است، ولی خشک تر و از حیث شیرینی مطالب کمتر از آن است. رجوع تازه ای بر افکار فلسفی نمی افزاید. از طرف دیگر مطالب آن وسیع و فراست و با قطعیت و حجیت بیشتر به بحث می پردازد. آژدوکیویچ با هشجاری منطقی خاص فیلسوفان لهستانی همیشه در باب آنچه ثابت کرده و آنچه ثابت نکرده است، مفهوم روشنی دارد، و در کتابش مطالب بی سرانجام که موجب القآت ذهنی شود یا جنبه تمان و فرض داشته باشد، وجود ندارد.

برای کسانی که آشنا به فلسفه امروزی عالم انگلیسی زبان

۳۵. این کتاب به فارسی ترجمه شده و به وسیله شرکت سهامی انتشارات خوارزمی منتشر گردیده است. م.

هستند نظر او درباره قلمرو و عرصه بحث معرفت و مابعدالطبیعه موجب شگفتی نیست ولی بیش از کتابی که یک انگلیسی یا امریکائی نوشته باشد، از هوسرل و پدیدارشناسی دران اثر می توان یافت. این امر مخصوصاً در مورد استفاده از آراء پدیدارشناسان برای مزید تأیید قول کانت درباره قضایای ریاضیات است که آنها با اینکه مقدم بر تجربه و پیشینی است، تألیفی است. بطور کلی نوعی مشونت نظامی در دقت و هشیاری و نحوه بیان استدلالهای آژدوکیویچ دیده می شود که با بی دقتی آمیخته به خوش ذوقی راس در کتابهای فلسفی عامه پسند او، فرق دارد. آژدوکیویچ همه جای این حقیقت را بر زیبایی اسلوب ترجیح داده است. انتشار این کتاب نظریات خاص فلسفی آژدوکیویچ و تعیین سهم او را در افزایش معلومات فلسفی به خوانندگان فلسفه در عالم انگلیسی زبان، معلوم می دارد به همان طریقی که مثلاً ترجمه انگلیسی کتاب «علم المعرفة»^{۳۶} کوتاریبیستی مجموعه منظّم عقاید فلسفی او را آشکار ساخت. برای این مقصود باید منتظر انتشار ترجمه انگلیسی منتخب مقالات او بود، ولی این کتاب نمونه اعلائی است از نحوه استدلال فلسفی لهستانی در بیان مباحث فلسفه، که دران وضوح و دقت همان اندازه که در آثار ایتالیایی و فرانسوی دارد، دارای ارزش است.